

ادبیات کودک و نوجوان باسک

خابیر اتکسانیز ارله

Xabier Etxaniz Erle

هرگونه تحقیق و بررسی جدی در مورد ادبیات کودک و نوجوان در زبان باسک، باید بر اهمیت سنت شفاهی این حوزه واقف باشد. مجموعه داستان‌ها، ضرب‌المثل‌ها، چیستان‌ها و بازی‌ها و غیره که جزء ادبیات شفاهی‌اند، نشانگر پویایی این ادبیات هستند. به گونه‌ای که نمی‌توانیم ادبیات کودک و نوجوان کنونی باسک را بدون در نظر داشتن دینی که به ادبیات شفاهی ذکر شده دارد، درک کنیم. تأثیر آن در آثار بی‌شماری از نویسندگانی چون **آتکساگا** (Zubizarreta B. Atxaga.P) **زوبیزارتا**، (A. Iertxundi) **آلرتکسوندی** و غیره بدیهی است. حال دقیقاً به لطف همین ادبیات سنتی شفاهی بود که (Bizenta Mogel) **بیزنتاموگل** (۱۸۵۴-۱۷۸۲)، اولین کتاب ادبیات برای کودک را در زبان باسک به چاپ رساند: **Epui onac** (ایپوی اوناک) (۴۰۸۱)؛ ترجمه‌ای از داستان‌های تمثیلی ایزوپ (Esopo)، به عنوان واکنشی در برابر داستان‌های عجیب و غریب و تخیلی.

هر چند به عنوان یک قانون فراگیر و کلی،

کتاب‌های کودک نسبتاً به کندی - و در آغاز با موضوعات اغلب تربیتی - بوده‌اند (اولین کتاب چاپ شده برای کودکان Orbis sensualium pictus (اوربیس سنسوالیوم پیکتوس) بود که در سال ۱۶۵۸ توسط (Joan Amos comenius) **جوآن آموس کمینیوس** به چاپ رسید). در زبان باسک، به گفته (K. Mitxelena) **کا میتکسلنا** (۳۲: ۱۹۸۸): "با یک گونه تأخیر طبیعی که باعث می‌شود بسیاری از آثار باسکی قدیمی‌تر از آنی که هستند، به نظر برسند" مواجه‌ایم.

بدین ترتیب، در حالی که در اروپا داستان

**نوعی رمانتی سیسم
دیررس که دنیای
شهرنشینی و مردمی
و همین طور تفکرات
ملی گرایانه را پرورش
می دهد، باعث می شود که
از سال های آغازین قرن
بیستم به بعد، همراه با
جنبش آموزشی در زبان
باسک، نوعی ادبیات کودک
و نوجوان نوپا که چه از
لحاظ موضوع و چه از
لحاظ فنی، از آثار جهانی
زمانه و حتی سال های
پیشین خود هم بسیار
فاصله دارد، پدیدار شود**

تمثیلی در قرن هفده به نقطه اوج خود رسید، در زبان باسک اوایل قرن نوزده، زمانی که جنبش شناخته شده "Prodesse delectare" یا «تعلیم و تربیت لذت بخش»، با افرادی مانند A. Iturriaga (آ. ایتورریاگا)، L. Goyhetché (ال گوتیچه) یا J. Barchu (خوتاب، آرچو)، توسط نویسندگان که گردآوری های داستان های تمثیلی خود را ۲۰۰ سال دیرتر از لافونتن و نیم قرن پس از Iriarte (ایریارته) یا Samaniego (سامانیگو) چاپ کردند، به راه افتاد.

غیر از آثار تربیتی، هیچ گونه چاپ مستقیم یا غیر مستقیم دیگری که با قشر کودک در ارتباط باشد، در سرتاسر قرن نوزدهم وجود

ندارد. تنها در سال ۱۸۹۰ Patxiko Txerren, A. Apuolaza را که رمانی بود در فضای روستایی و با گریزهای آشکار به مسائل عاشقانه، چاپ می کند. از طرف دیگر، در سال ۱۸۷۷ W. Webster که یک واعظ و مبلغ انگلیسی الاصل و ساکن منطقه باسک بود، به زبان انگلیسی Basque legende (افسانه های باسکی) را که یکی از بهترین گلچین های داستان های مردمی باسک است، به چاپ رساند.

در این دوره، تعداد آثار منتشر شده به زبان باسک برای کودک و نوجوان، بسیار بسیار اندک است. در اواخر قرن ۱۹، پیدایش نوعی رمانتی سیسم دیررس که دنیای شهرنشینی و مردمی و همین طور تفکرات ملی گرایانه را پرورش می دهد، باعث می شود که از سال های آغازین قرن بیستم به بعد، همراه با جنبش آموزشی در زبان باسک، نوعی ادبیات کودک و نوجوان نوپا که چه از لحاظ موضوع و چه از لحاظ فنی، از آثار جهانی زمانه و حتی سال های پیشین خود هم بسیار فاصله دارد، پدیدار شود.

با آغاز قرن ۲۰، مدارس دو زبانه در منطقه باسک پایه گذاری و همزمان، تعدادی کتاب کودک هم چاپ شد. در این زمان، هنوز تعداد خوانندگان زبان باسک بسیار اندک است. اکثر جمعیت این خطه بی سواد بود و این ویژگی، در کل قرن بیستم حفظ شد. تنها در دهه ۱۹۹۰ که جلوتر هم به آن اشاره خواهیم کرد، می توان از یک گروه مخاطب هم زبان (با یک زبان واحد) صحبت کرد.

در طی سه دهه اول قرن ۲۰، López de Mendizabal (لوپز د مندیزابال)، ناشر مجموعه کتاب درسی و غیر درسی به زبان باسک، برای کودکان هم کتاب چاپ می کند. در کنار عناوین یاد شده، هم چنین تعدادی داستان مردمی و اولین اثر نمایشی کودک که به همین

جوانان و نوجوانان قرار گرفت که در حال حاضر، جزو مجموعه‌های ادبیات کودک و نوجوان به شمار می‌روند. Abarrak از (۱۹۱۸)، Kirikiño و (Pernando) (پرناندو آمزکاتاررا) Amezketarra دو کتابی هستند که در این میان جزو بارزترین نمونه‌ها به شمار می‌روند. Bere ateraldieta از (۱۹۲۷ و G. Muyika)، ماجراهای این دو کتاب، در فضای روستایی اتفاق می‌افتند و دارای صحنه طنزآمیز بارزی نیز هستند.

ادبیات مردمی یا سنت شفاهی نیز مورد توجه کودکان قرار گرفته است. گردآوری قصه‌های Barbier (۱۹۳۱) یا از Mayi Ariztia (۴۳۹۱)، در کنار داستان‌های تمثیلی منتشر شده در سال ۱۹۲۶، توسط oxob که از نظر برخی، بهترین داستان‌نویس تمثیلی در زبان باسک است، برای شناساندن ادبیات سنتی شفاهی به قشر کودکان بسیار مفید بوده‌اند. آثار نام برده و داستان‌های مردمی، با تصویرهای بسیار مدبرانه، در این دوره چاپ شده‌اند. Dar – Dar – Dar (۱۹۲۹) یا ... Txomin... (۱۹۲۹) نمونه بارزی از این آثارند. این داستان‌های مردمی، با چاپ بسیار محتاطانه و تصویرسازی‌های مدرن، از (John Zabalo) "Txiki" (جون زابالو)، یکی از پیشگامان تصویرسازی کتاب‌های باسک و مهم‌ترین تصویرساز باسک در نیمه اول قرن بیستم، منتشر شدند.

سومین ستون نشر در ادبیات کودک و نوجوان (بعد از خلق آثار و ادبیات مورد توجه کودک و نوجوان)، ترجمه از زبان‌های دیگر است. در این راستا، بایستی روی تنوع آثاری که در وهله اول به زبان باسک ترجمه شده‌اند، تأکید داشته باشیم.

علاوه بر داستان‌های تمثیلی، می‌توانیم به داستان‌های برادران Grimm (۱۹۲۹) یا به Schmid (۱۹۲۹)، در کنار آثاری از o. wilde (۱۹۲۷)، Croce (۱۹۳۲) یا برگردان اثر معروف

در حالی که در اروپا داستان تمثیلی در قرن هفده به نقطه اوج خود رسید، در زبان باسک اوایل قرن نوزده، زمانی که جنبش شناخته شده "Prodesse delectare"

یا «تعلیم و تربیت لذت بخش»، با افرادی مانند A. Iturriaga (آ. ایتورریاگا)، L.Goyhetche (ال) J. BArchu یا (گوئیچه) (خوتا، ب، آرچو)،

توسط نویسندگانی که گردآوری‌های داستان‌های تمثیلی خود را ۲۰۰۱ سال دیرتر از لافونتن و نیم قرن پس از Iriarte (ایریارته) یا Samaniego (سامانیگو) چاپ کردند،

به راه افتاد

زبان نوشته شده بود، در کنار کتاب‌های مذهبی برای کودک منتشر می‌شوند.

ادبیات مورد توجه کودک و نوجوان همان‌طور که در چشم‌انداز بین‌المللی در طی قرن ۱۹ رخ داد، برخی کتاب‌های چاپ شده در ادبیات باسک، در آغاز قرن ۲۰ مورد توجه

علاوه بر خسارات انسانی و مالی که هر گونه جنگ مسلحانه‌ای به همراه دارد، در مورد منطقه باسک هم ممنوعیت استفاده از زبان باسک، از خصوصیات آن دوره بوده است. به همین ترتیب تا سال ۱۹۴۸، در شبه جزیره باسک، هیچ گونه اثری برای کودکان به زبان باسک منتشر نشد

و نوجوان باسک، در سال‌های پس از جنگ، در اوایل دهه ۵۰ اتفاق می‌افتد (دوره‌ای که با «آزادی و روشنفکری» که Garcia Padrino گارسیا پادرنیو، در اثرش از آن سخن به میان می‌آورد، مطابق است، ۵۱۳) A.T.J.E (۱۹۵۰) منتشر می‌شود؛ اثری تاریخی که به درستی می‌توان آن را مختص قشر نوجوانان تلقی کرد (در آغاز دهه ۸۰، مجموعه‌ای از کتاب‌های کودک و نوجوان تجدید چاپ شد). البته تحول اصلی، به وسیله «Kuliska sorta» رخ داد؛ مجموعه‌ای بسیار متنوع هم به لحاظ فنی و هم از نظر موضوع. این چیزی بود که به واقع مورد توجه کودکان و نوجوانان قرار گرفت. همین طور فرهنگستان لغت باسک - ائوسکالتزایدیاء، از طریق برگزاری مسابقات یا از طریق انتشارات خود برای چاپ آثار ادبی اقلیت و نیز تحت پوشش قرار دادن برخی از زبان‌های مهم موجود، در این راه گام‌های مهمی

ماجرای ولگردان، اثر نویسنده اسپانیایی لاساریود تورمس (Lazarillo de tormes) (۱۹۲۹ Torme'ko itsu - mutila) اشاره کرد. تمام این حجم عظیم آثار منتشر شده، آغاز برگردان آثار شناخته شده جهانی، گردآوری‌های فولکلور مردمی و ... در کنار فعالیت در زمینه کتاب‌های درسی و تربیتی، می‌تواند آغاز شکل‌گیری یک ادبیات کودک و نوجوان باسک را رقم زده باشد. بدون شک، جنگ ۱۹۳۶ در اسپانیا و سرکوب و خفقانی که در پی داشت، منجر به شکست و از هم گسیختگی بنیادی این فرایند شد.

خلا ادبی

از سال ۱۹۳۶ به بعد، انتشار آثار به زبان باسک، دچار سیرقه‌قرایی شد. بایستی به این مسئله، این مورد را هم افزود که بسیاری از آثار نوشته شده، در مکان‌های بسیار دور از مخاطبین خود به چاپ رسیدند (مانند پاریس یا آمریکای جنوبی، شهرک نشین‌های مهاجران و تبعیدی‌ها).

علاوه بر خسارات انسانی و مالی که هر گونه جنگ مسلحانه‌ای به همراه دارد، در مورد منطقه باسک هم ممنوعیت استفاده از زبان باسک، از خصوصیات آن دوره بوده است. به همین ترتیب تا سال ۱۹۴۸، در شبه جزیره باسک، هیچ گونه اثری برای کودکان به زبان باسک منتشر نشد. اولین کتاب‌هایی هم که پا به عرصه وجود گذاشتند، کتاب‌های مذهبی بودند (Lesu Aurraren Bizita, ۱۹۴۸، زندگی حضرت عیسی؛ Haurren Elizliburutxoa, ۱۹۴۹، عشای ربانی برای کودکان یا Kristau یا Ikasbidea Bertsota - ۱۹۵۰، احکام دینی به صورت شعر).

این وضعیت حاد، مختص منطقه باسک نیست، بلکه در ادبیات کل کشور اسپانیا رخ می‌دهد. اولین تغییرات مهم در ادبیات کودک

برداشت.

بدین ترتیب در سال ۱۹۵۵، به لطف یک مسابقه ادبی، Amabost egun Urgainén، اولین رمان پلیسی نوشته شده به زبان باسک، چاپ شد؛ با تأییراتی از پو، چخوف، آدارکون، ورن، سمینون و دیکنز. این اثر نوشته شده توسط Ioid، مورد توجه بسیاری در منطقه باسک قرار گرفت (و در سال ۱۹۵۸ به اسپانیایی هم چاپ شد) و اولین اثر ترجمه شده از زبان باسک به کاتالان بود (۱۹۶۱). برای جبران فقدان کتاب‌های نوشته شده به زبان باسک، انوسکالتزاینڈیا در سال ۱۹۵۶، Abarrak را منتشر می‌کند؛ قصه‌ها و داستان‌های I puiak eta kondairak که در آن، برخی داستان‌های نوشته شده به قلم Kirikinio (کیروکینیو)، در آغاز قرن Euskalerriko ipuiñak در سال ۱۹۵۷ دیده می‌شود. این کتاب، گزیده‌ای از داستان‌های مردمی باسک است برای سلیقه خوانندگان خردسال و بزرگسال. به علاوه، برای آن‌هایی که در حال آموزش زبان باسک هستند هم مفید است؛ آن طور که A.I. نویسنده اثر، در مقدمه اشاره می‌کند.

کم‌کم چشم‌انداز ادبی (و سیاسی) در منطقه باسک رو به تکامل می‌رود و حکایات در مرحله اول، به یک امر روزمره تبدیل می‌شود. تهیه و چاپ آثار در کل، به شکل قابل توجهی افزایش پیدا می‌کند و ادبیات کودک و نوجوان، به کلی دستخوش تغییر می‌شود.

آغاز واقعی ادبیات کودک و نوجوان

در آغاز دهه ۶۰ تغییرات بزرگی در ادبیات کودک و نوجوان باسک و نیز در ادبیات کل کشور اسپانیا ایجاد می‌شود. در سال ۱۹۵۵، IBBY شکل گرفت و در سال ۱۹۵۷، INLE

در آغاز دهه ۶۰، تغییرات بزرگی در ادبیات کودک و نوجوان باسک و نیز در ادبیات کل کشور اسپانیا ایجاد می‌شود. در سال ۱۹۵۵، IBBY شکل گرفت و در سال ۱۹۵۷، INLE کمیسیون ادبیات کودک و نوجوان را خلق کرد. از طرفی، آزادی بیش‌تری در جامعه رواج یافت. در منطقه باسک نیز مراکز آموزشی که در آن‌ها زبان باسک تعلیم داده می‌شود، به نام Ikasto las به آرامی شروع به شکل‌گیری کرد که در واقع قانونی نبود، ولی با آن‌ها از طرف حکومت برخورد جدی هم نمی‌شد. این مراکز طی سال‌های متمادی، موتورهای واقعی (و مصرف‌کننده‌های) تولیدات آثار کودک بودند.

کمیسیون ادبیات کودک و نوجوان را خلق کرد. از طرفی، آزادی بیش‌تری در جامعه رواج یافت. در منطقه باسک نیز مراکز آموزشی که در آن‌ها زبان باسک تعلیم داده می‌شود، به نام Ikasto las به آرامی شروع به شکل‌گیری کرد که در واقع قانونی نبود، ولی با آن‌ها از طرف حکومت برخورد جدی هم نمی‌شد. این مراکز طی سال‌های متمادی، موتورهای واقعی (و مصرف‌کننده‌های) تولیدات آثار کودک بودند.

ولی دگرگونی واقعی در ادبیات کودک و نوجوان باسک، به دست Marijane Minaberry (ماریخانہ مینابری)، نویسنده اهل بانکا (باخاناواررا) و نگارندهٔ یک مجموعه از کتاب‌هایی که باعث پدید آمدن ادبیات کودک و نوجوان باسک شدند، شکل گرفت. مینابری اولین اثر خود را برای کودکان، در سال ۱۹۶۱ منتشر کرد. دو سال بعد او، با قصه‌های جمع‌آوری کرده در کتاب *Itchulingo anderea* و اشعار به چاپ رسیده در *Xoria kantari* آغاز کننده کتاب‌های کودک شد؛ کتاب‌هایی که در آن‌ها لذت خواندن بر هر چیزی تقدم دارد و همین طور تفریح و سرگرم شدن با آن، در مقابل جریان تربیتی و آموزشی غالب در آن زمان. ادبی‌ترین اثر وی، کتاب *Xoria kantari* (۱۹۶۵) است که در آن ۲۳ شعر در اختیار ما قرار می‌دهد؛ با تعداد زیادی تکرار، نام آوا و قافیه که سبب می‌شوند این اشعار، برای مخاطبین کودک مناسب به شمار بیایند.

بدون شک این گام‌های کوچک، تأثیرات و نتایج چشمگیری تا پایان دیکتاتوری در سال ۱۹۷۵ ندارند. پس از مرگ دیکتاتور فرانکو در سال ۱۹۷۵، جامعه باسک مجموعه‌ای از دگرگونی‌ها و تغییرات سیاسی را تجربه کرد، ولی بیش از هر چیز متحمل تغییرات اجتماعی شد. تعداد دانش‌آموزانی که در مراکزی که آموزش‌های خود را به زبان باسک ارائه می‌دادند، ثبت نام می‌کردند، به سرعت افزایش یافت.

اگرچه در سال ۱۹۷۰، تعداد دانش‌آموزان دختر و پسری که در مراکز ذکر شده ثبت نام شده بودند، ۱۱،۸۸۵ نفر بود، این رقم در سال ۱۹۷۴ تقریباً ۲۷،۰۰۰ و به ۶۵،۰۰۰ در ۱۹۸۰ می‌رسد. به علاوه در سال ۱۹۷۹، قانون خودمختاری (استقلال) و ۳ سال بعد، قانون دوزبانگی رسماً اعلام می‌شود و بدین وسیله، به آموزش زبان باسک در تمامی

مراکز آموزشی سامان بخشیده می‌شود. در عین حال، ناشران متعددی هم در سراسر کشور اسپانیا، تصمیم به چاپ عناوین و آثار خود به چهار زبان اصلی کشور می‌گیرند. در عین حال، سه انتشارات مهم باسک در حوزهٔ کودک و نوجوان *Erein Elkar Hordago* (هورداگو، الکار و ارین)، نقش به‌سزایی در پیشبرد این ادبیات ایفا می‌کنند.

ادبیات کودک و نوجوان مدرن

ادبیات کودک و نوجوان از سال ۱۹۸۰، دورهٔ جدیدی را آغاز می‌کند که طی آن، دچار تغییرات کمی و در اغلب موارد کیفی می‌شود. افزایش تولید آثار شگفت‌انگیز است و از وضعیتی که در آن عملاً هیچ چیزی به چاپ نمی‌رسید یا فقط تعداد کمی از آثار چاپ می‌شد، به چاپ ۳۰۰ اثر در سال نایل می‌آید.

اگرچه این تغییرات، بیش از یک پدیده با اهمیت دارای ارزش است، نمی‌توانیم فراموش کنیم که مسئله‌ای که از دههٔ ۸۰، ادبیات کودک و نوجوان را حقیقتاً دستخوش تغییر کرد (الهام گرفته و دروناً مرتبط با تغییر ذکر شده)، تکامل کیفی آن است.

نیاز به ایجاد یک ادبیات امروزی، جالب و جذب کننده که قادر به جذب مخاطبین و خوانندگان به سمت دنیای ادبی باسک باشد، باعث می‌شود که در سال ۱۹۸۱ و ۱۹۸۴، سه اثر کلیدی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان منتشر شود: *Tristek Kontsozkeko Mak* (۱۹۸۱) از **آنخل لرتکسوندی** (*Angel Iertxundi*)، *Chuck Aranberri dentista...* (۱۹۸۲) از **برناردو آتکساگا** (*Bernardo Atxaga*) و *Txan fantasma* (۱۹۸۴) از **ماریاسون لاندئا** (*Mariasun Landa*). این سه اثر، آغاز ادبیات

شد تا پایان دیکتاتورری فرانکو در سال ۱۹۷۵، بیش از هر زمان دیگری در ۱۵ سال اخیر، کتاب به زبان باسک چاپ شده است. به علاوه، آن دسته آثاری که قبل از این تاریخ چاپ شده‌اند، ولی برای خوانندگان کودک و نوجوان جذاب هستند، هنوز هم تجدید چاپ می‌شوند. این ویژگی مشترک در تقریباً کل ادبیات باسک (با برخی استثناءها در زمینه شعر)، در عمل به ما اجازه نیل به یک دیدگاه جامع درباره تولیدات ۲۵ سال اخیر را می‌دهد.

همگام با ادبیات سنتی شفاهی که پیش‌تر از آن یاد شد و انواع امروزی آن، خواننده می‌تواند با آثاری که در چارچوب رئالیسم فانتزی و علمی-تخیلی قرار می‌گیرند، مواجه شود (داستان‌هایی که شامل شخصیت‌ها، قدرت‌ها، مکان‌ها و ... عجیب و غریبی هستند و لزوماً با سنت مردمی عامه) در ارتباط مستقیم قرار ندارند. (Valriu, ۱۹۹۴, ۱۴۷)

تأثیر جهانی روداری بر این گرایش، به ویژه در ترکیب میان اسطوره‌شناسی و ماجراجویی و یا استفاده از یک عنصر غیرواقعی و عجیب و غریب، غیرقابل انکار است. هم‌چنین، حیوانات بار سنگینی در آثار فانتزی ادبیات کودک باسک معاصر به دوش می‌کشند؛ مخصوصاً در آثاری که قهرمان‌های آن‌ها حیوانات هستند (Errusik, 1988, Egunez parke batean, 1993; Xola eta basurdeak, 1996). این آثار، در عین حال که با نگرش‌های و دیدگاه‌های خود و هم‌چنین رفتارهای خود ما را سرگرم می‌کنند، موجب تفکر راجع به دنیای اطراف‌مان و جامعه‌مان نیز می‌شوند؛ هر چند با یک دیدگاه غریب و متفاوت.

درزمینه علمی-تخیلی، آثاری چون Euskaldun bat Marten (۱۹۸۲)، اولین اثر علمی-تخیلی

کودک و نوجوان مدرن در زبان باسک را رقم می‌زنند. تأثیر رود اریانایی در Lertxundi یا تأثیر Christine Nöstlinger در Landa ، در کنار ترکیب تخیل و واقعیت در آثار Atxaga ، موجب می‌شود که در زبان باسک، آثاری منتشر



شود که نه تنها از لحاظ ظاهری، بلکه از لحاظ محتوایی هم مدرن هستند.

بدیهی است که در کنار ادبیات مدرن، تعداد بی‌شماری اثر کلاسیک و سنتی که جامعه روستایی مشابه جامعه روستایی صدسال پیش را منعکس می‌کند هم به چاپ برسد. از طرف دیگر، تعداد زیادی کتاب برگرفته از داستان‌های مردمی هم چاپ شده است؛ گردآوری داستان‌های مختلف، حکایات و رویدادهای شناخته شده‌ای که هم مربوط به گذشته و هم مربوط به عصر حاضر هستند و غیره ...

ادبیات روایی کودک و نوجوان باسک مدرن

پس از این که اولین کتاب در سال ۱۵۴۵ چاپ

پس از این که اولین کتاب در سال ۱۵۴۵ چاپ شد تا پایان دیکتاتور فرانکو در سال ۱۹۷۵، بیش از هر زمان دیگری در ۱۵ سال اخیر، کتاب به زبان باسک چاپ شده است

بسیار پیش‌تر از آن‌ها بوده است: از آن دسته کتاب‌هایی که موقعیت‌های سرگرم‌کننده را روایت می‌کنند گرفته تا کتاب‌های لطایف و حکایت و از آبارراک سنتی‌تر (Abarrak) یا پرراندو آمریکتاررا (Pernando Amezketarra) که در سال ۱۹۸۱ تجدید چاپ شد) تا آثار جدیدتر و مدرن‌تری مانند Kutsidazu bidea، Lxabel (۱۹۹۴) که یک Best - seller واقعی در ادبیات کودک و نوجوان باسک بود و همه و همه به پرده سینما و یا تلویزیون برده شده‌اند.

در سال‌های اخیر، تعداد بی‌شماری اثر طنز، از نویسندگانی چون Goscimny, Roald Dahl و Rodari و ... ترجمه شده و در ضمن، تعداد زیادی اثر «نگاشته» شده است. شاید در ادبیات کودک و نوجوان باسک، حوزه‌ای که بیش از همه دستخوش تغییر شد، آثاری باشد که مربوط به نقد اجتماعی هستند؛ آن‌هایی که به ما کمک می‌کنند که بیش‌تر خود را بشناسیم. در این سال‌ها انگار همه وارد جریان رئالیسم انتقادی شده‌اند. از کاربرد عناصر سنتی گرفته تا متون جدید روایی، همه و همه به منزله تکیه‌گاهی هستند برای این آثار که موجب تفکر و تعمق خواننده می‌شوند.

در سال ۱۹۸۲، ماریاسون لاندئا (Mariasun Landa)، نویسنده‌ای که برنده جایزه لیزاردی (Lizardi) شد، با داستانی راجع به رابطه یک دختر بچه با یک شیخ، کمبود محبت، تنهایی و درک نشدن توسط بزرگسالان، موجب رواج چنین داستان‌هایی شد. Kamrentxu در مقابل دنیای بزرگسالان، با جان بخشیدن و تخیل به دنبال پناهگاهی می‌گردد.

Txan fantasma (۱۹۸۴) خود اولین آثار کودک و نوجوان باسک مدرن است. موضوع و تکنیک روایی اثر، موجی از آثار جالب و با کیفیت در پی داشت که در آن‌ها جامعه ما (در مقابل دنیای

در ادبیات کودک و نوجوان باسک، Shangai tom espazioko zaindaria (۱۹۹۲) یا Azken gurasoak (۲۰۰۳) جامعه آینده، چه از نظر زمانی و از چه از لحاظ اجتماعی را به ما معرفی می‌کند. هم‌چنین Olia urpean (۱۹۹۸) و Gogoa lege (۲۰۰۵) که هر دو توسط Manu lopez Gaseni نوشته شده‌اند، دیدگاهی انتقادی و طنزآمیز راجع به جامعه‌مان، از طریق یک آینده نه چندان دور به ما عرضه می‌کند.

کتاب‌های ماجراجویی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان، از سال‌های بسیار دوری حضور داشته‌اند و در حال حاضر هم برای آن دسته از خوانندگانی که به دنبال «اکشن» هستند، هم چنان جذاب هستند.

این نوع نوشته‌های ماجراجویانه به زبان باسک بی‌شمارند. در بسیاری از آن‌ها، تأثیر رمان‌های ماجراجویانه و شاهکارهای متعلق به قرن ۱۹ (سالگاری، استو یا استیونسن) و همین‌طور بازتاب شرایط زمانی و یا پدیده مهاجرت باسک‌ها به آمریکا، کاملاً واضح است. اگرچه کتاب‌های ماجراجویی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان باسک اهمیت به سزایی داشته‌اند، تأثیر کتاب‌های طنز

تأثیر جیانی روداری، به ویژه در ترکیب میان اسطوره‌شناسی و ماجراجویی و یا استفاده از یک عنصر غیرواقعی و عجیب و غریب، غیرقابل انکار است

حدود ۹۵ درصد کل آثار. آثار نمایشی کودک و نوجوان ائوسکوا به نوبه خود، همان‌طور که درباره ادبیات بزرگسالان در دهه‌های اخیر اتفاق افتاده است، به یک درصد از کل آثار چاپی هم نمی‌رسند. **Xabier Diaz Esarte (خاویر دیاز اسارته)**، بدون شک اصلی‌ترین نویسنده آثار نمایشی برای کودکان است. طنز عنصر اصلی این آثار به شمار می‌رود؛ همین‌طور کاربرد شخصیت‌های اسطوره‌ای و استفاده از حیوانات، به عنوان قهرمانان اصلی داستان.

و اما درباره نوع دیگر ادبی، شعر، وضعیت پس از سال ۱۹۹۲، به کلی دگرگون شد. در آن سال **Begi niniaren poemak, Juan Kruz Igerabide** را منتشر می‌کند که سپس در یک چاپ دو زبانه توسط **Tliperbo'n**، به عنوان **Poemas para la pupila**، (اشعار کودکان) چاپ می‌شود. این مجموعه شعر، با تأثیرات آشکاری از مشرق زمین، جریان تمام و کمالی را در ادبیات کودک و نوجوان باسک در پی داشت. در واقع شعر، نوع ادبی‌ای که از سنت دیرینه‌ای در ادبیات باسک برخوردار بود، توسط ادبیات کودک و نوجوان کشف شد.

Igerabide طیف وسیعی از کتب شعر،

کودکان و نوجوانان معرفی می‌شود (آثاری مانند **Dado iratxoa** (۱۹۸۶) یا **Matias ploff-en** یا **erabakiak** (۱۹۹۲) که در آن‌ها به مشکل چاقی مفرط، اولویت ارزش‌ها و غیره پرداخته می‌شود). ماریاسون لاندآ بدون شک، اصلی‌ترین تجلی‌گر رئالیسم انتقادی در ادبیات کودک و نوجوان باسک است. بسیاری از آثار وی، به وضوح تجلی‌گر این مسئله هستند: **Julieto, Romeo eta...** (رومنو و ژولیت) (۱۹۹۴)، **Alex** (۱۹۹۰)، **Nire eskua** (۱۹۹۵) که داستان نخست، راجع به عشق، وابستگی به مادر، احساسات نوجوانی است و همچنین **Krokodilo batohe azpion** (۲۰۰۳)، اثر برنده جایزه ملی ادبیات کودک و نوجوان که از پس رابطه خیالی‌ای برمی‌آید که شخصیت اصلی داستان، با کوروکودیلی که زیر تخت اوست، برقرار می‌کند. نویسنده، ما را تشویق به تفکر راجع به ترس و تنهایی و جامعه‌ای که در آن زیست می‌کنیم، می‌کند.

نیاز به پاسخ‌گویی به سلايق گوناگون ادبی و همچنین تنوع موضوعی که پیش از این وجود نداشته است، عوامل اصلی این تنوع در موضوعات تکنیک‌های روایی ادبیات کودک و نوجوان محسوب می‌شوند. حتی خود نویسندگان هم انعکاسی از این تنوع هستند؛ هر چند در آثار برخی از آنان، یک مجموعه عناصر دائمی وجود داشته باشد. به عنوان مثال، استفاده از طنز توسط **B. Alxaga**، کاربرد سنت شفاهی توسط **A. Iert xundi** یا اهمیت پردازش روحی و روانی شخصیت‌های داستان توسط **M. Landa**.

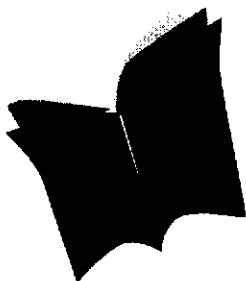
انواع دیگر ادبی

تمامی آثار مدرن نام برده، مربوط به ادبیات روایی می‌شوند که در ادبیات کودک و نوجوان، اکثر تولیدات را به خود اختصاص داده‌اند با چیزی

در آثار مختلف شاهد بودیم، تحولی در نقد ادبی به همراه نداشته است. درست است که تعدادی سمینار و دوره برگزار شده و حتی انتشاراتی‌هایی بوده‌اند و یا قرائت برخی پایان‌نامه‌های دکترای دانشگاه‌ها آغاز شده، ولی اهمیتی که ادبیات کودک و نوجوان در تولید و نشر داراست، علی‌الخصوص در سال‌های اخیر، اگر آن را با حضوری که نقد تخصصی در رسانه‌های گروهی در حوزه و غیره داشته، مقایسه کنیم، نوعی عدم تعادل به چشم می‌خورد.

پایان‌نامه‌های دکترای متعددی قرائت شده و تحقیقاتی هم انجام گرفته و حتی یک مجله تخصصی به نام "Behinola" هم منتشر شده است، ولی هم‌چنان باید اذعان کنیم که ادبیات کودک و نوجوان، دم به دم جایگاه برجسته‌تری نسبت به نقد می‌یابد.

علی‌رغم این برداشت خوش‌بینانه از ادبیات کودک و نوجوان، باید توجه داشته باشیم که موانعی زیادی بر سر توسعه ادبیات باسک وجود دارد. کوچک بودن بازار، در کنار مشکلاتی که این ادبیات در شناساندن به بازارهای خارجی دارد و هم چنین وابستگی شدید به دنیای آموزشی، باعث می‌شود تا نگران این باشیم که اگر امروز ادبیات کودک و نوجوان باسک به تنهایی هم چون ستاره‌ای می‌درخشد (چون کیفیت خوبی دارد)، شاید در آینده شبیه یک شب تاب در یک دشت تاریک شود!



مانند Egun osoarako poemal (۱۹۹۳)، Botoi (۱۹۹۹)، Haur korapiloak bat bezolu (مثل یک دگمه)، Hosto gorri (برگ قرمز، مرگ سبز ۲۰۰۲)، Gorputz (۲۰۰۴)، Munduko ibaien poemak osorako poemak (۲۰۰۵) و غیره را به چاپ رساند. این شعرها سرشار از تأثیرات مشرق‌زمینی و همین‌طور شعر فرهنگی اسپانیا، شعر اروپایی و limerick ها و Nursey rhyme انگلوساکسن است.

شاعران دیگری مانند J. M. Trigoien (۱۹۹۴) با اثر Metak eta kometat یا Ormazabal (۱۹۹۴) Hitzak Jostailu، Txoko txikitxu (۱۹۹۸) یا Trri eta barre در کتاب‌های خود، از اشعار گرفته تا بازی با کلمات و تعاریف را جمع‌آوری می‌کنند؛ همان‌طور که در کتاب‌های شعر برای خوانندگان تازه‌کار Denboraren kanta- kontuak (۱۹۹۵)، به قلم Yoland Arrieta (یولاندا آرریتا) و تصویرسازی شده توسط Asua Balzoa (اسوا بالسوآ) یا کتاب ادبیات نوجوان Kartapazioko poemak (۱۹۹۸)، به قلم Igerasoro (ایخراسورو) (لقب نویسندگان ایخرابیده) Igerabide و Linazasoro لینا می‌بینیم. بازی ادبی با اشاراتی به بازی، سنت و یا همراهی با خوانندگان را می‌توان در Jon suarez (۲۰۰۲) Libete dilindan (جون سوارز) دید. هم‌چنین تأثیرات بدیهی از سنت شفاهی، در اثر Pupuan trapua (۲۰۰۴) Xabier alaso (خاویر اولاسو)، برنده جایزه (۲۰۰۵) نیز به چشم می‌خورد.

نقد ادبی

تکاملی که از لحاظ کیفی و کمی در سال‌های اخیر،